

خیابان

سایه ادغام یا تعطیلی بر سر بزرگ‌ترین سازمان بیمه گر؟

■ ایسنا: در حالی که مدیرعامل صندوق بیمه خدمات درمانی از ادغام تمامی صندوق‌های بیمه‌ای در سازمان بیمه خدمات درمانی به منظور تشکیل سازمان بیمه سلامت خبر می‌دهد، معاون رفاه اجتماعی وزیر کار و رفاه اجتماعی از تعطیلی صندوق بیمه خدمات درمانی و ایجاد سازمان بیمه سلامت در چارچوب فیزیکی این سازمان سخن می‌گوید.
براساس ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌م توسعه کشور، دولت مکلف بود ساز و کارهای لازم برای بیمه همگانی و اجباری پایه سلامت و تشکیل سازمان بیمه سلامت را تا پایان سال اول برنامه تعیین و تا پایان اسفند ۹۰ ابلاغ کند.
اساسنامه سازمان بیمه سلامت، سرانجام در حالی در اواخر مرداد ماه امسال از سوی هیات دولت به سه وزارت کار و رفاه اجتماعی ابلاغ شده که اساسنامه مذکور در بخش‌هایی دارای ابهاماتی است.
محمدباقر هادوند مدیرعامل صندوق بیمه خدمات درمانی در زمینه ادغام صندوق‌های بیمه‌ای و تشکیل سازمان بیمه سلامت، در گفت‌وگو با ایسنا، عنوان کرد: طبق بند «ب» ماده ۳۸ برنامه پنج‌م توسعه، تمام صندوق‌های بیمه‌ای در سازمان بیمه خدمات درمانی ادغام و سازمان بیمه سلامت تشکیل می‌شود.
اساسنامه بیمه سلامت به تصویب شورای نگهبان رسیده و در انتظار ادغام صندوق‌های بیمه‌ای هستیم و پس از ادغام، کارمان را شروع می‌کنیم.

جمع‌آوری زباله ۲۲۳ روستا

■ شرق: رییس سازمان جوانان هلال احمر از جمع‌آوری و دفن زباله ۲۲۳ روستای زلزله‌زده و توزیع ۱۲ هزار بسته بهداشتی بین زلزله‌زدگان آذربایجان‌شرقی خبر داد و گفت: ۲۲۲ خیمه نماز نصب و در ۶۰ روستا نیز کیسول آتش‌نشانی توزیع شده‌است.
محمدجواد جعفریان با اشاره به نصب ۲۲۲ خیمه نماز و پذیرش شش‌هزار و ۹۱ نفر در فضاهای دوتستار کودکان زلزله‌زدگان آذربایجان‌شرقی اظهار داشت: در این زمینه خیمه‌های مخصوص پخش تلویزیونی نیز با همت جوانان هلال احمر ایجاد شده‌است.

بازگشایی مدارس زلزله‌زده از اول مهر

■ فارس: حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش‌وپرورش از برگزاری جشن شکوفه‌ها در یکی از مناطق زلزله‌زده آذربایجان‌شرقی خبر داد و گفت: تمام مدارس مناطق زلزله‌زده از اول مهر ماه بازگشایی می‌شود.
خوشبختانه به جهت نظارت مستمر و تحقق عملیات مقاوم‌سازی در مدارس شهری و روستایی تنها مناطقی که در روستاها کمترین آسیب را دیده‌اند مدارس هستند و این‌مکان‌ها به مرکز تصمیم‌گیری و ستاد فرماندهی بازسازی و امدادی تبدیل شده‌است.

کشف ۱۱۳ سلاح جنگی در بازرسی‌های «ناجا»

■ ایسنا: جانشین فرمانده ناجا از کشف ۱۱۳ سلاح جنگی در توره‌های ایست و بازرسی خبر داد و گفت: بالغ بر ۲۳ هزار گشت در مدت زمان برگزاری اجلاس در مرزها صورت گرفته و ۱۷ هزار کمین به پشتیبانی انسداد مرزها و اراضی صحنه شده بود.
سردار احمدرضا ازان افزود: این اجلاس نشان‌دهنده اقتدار، ثبات و امنیت ایران است و با توجه به همسایگانی که در پیرامون خود دارد جزو امن‌ترین کشورها محسوب می‌شود.
نیروی انتظامی قبل از اجلاس برای پاکسازی شهر اقدام به جمع‌آوری چندین‌هزار متعشاد، ولگرد، کارتن‌خواب، متکدی و افراد آسیب‌دیده کرد.

آغاز ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان کنکور ارشد از ۱۸ شهریور

■ ایسنا: معاون سازمان سنجش آموزش کشور با اشاره به پذیرش ۸۹ هزار و ۲۵۶ داوطلب در آزمون کارشناسی ارشد، گفت: نتایج نهایی این آزمون از طریق سایت سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org اعلام شد.
جلال طباطبایی با بیان اینکه ظرفیت دوره کارشناسی ارشد در ۹۰ هزار و ۲۵۶ نفر در نظر گرفته شده‌ است، اظهار کرد: البته به این میزان ظرفیت، پذیرش دانشجویان استعداد درخشان نیز افزوده می‌شود.
وی افزود: داوطلبان می‌توانند برای مشاهده نتایج آزمون به نشانی http://srv2000.sanjesh.org/Arshad/91FIRES_m2 مراجعه کنند.

۶۴۸ مصدوم و ۸۹ کشته در تعطیلی هفته گذشته

■ شرق: تعطیلات اجلاس جنبش غیرمتعهدها، ۶۴۸ مصدوم و ۸۹ کشته برجای گذاشت.
مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی کشور اعلام کرد که در هفته گذشته ۱۴۵ حادثه و سیزه رخ داده که منجر به اعزام ۲۲۷ آمبولاس و بیش از ۶۵۰ تن کسبیس اورژانس پیش بیمارستانی به محل حوادث شد.
نیروهای امدادی اورژانس ۱۱۵ پس از رایبه خدمات پزشکی به مصدومان، ۶۴۸ نفر را برای دریافت مراقبت‌های تخصصی بیشتر به مراکز درمانی منتقل کردند.
مهم‌ترین حادثه ویژه ترافیکی هفته گذشته، تصادف یک مینی‌بوس با پراید در جاده قدیم قزوین - تهران بود که در ساعت ۱۰:۴۱، ۹ شهریور رخ داد.
متوسط جهانی مرگومیر در اثر حوادث رانندگی ۱۴ تا ۱۵ نفر در هر صد هزار نفر است و این میزان در کشور ما ۳۰ نفر در هر صد هزار نفر است یعنی تقریباً دو برابر میانگین جهانی است.
رقم خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم تصادفات در کشور بیش از هفت‌صد‌تولید ناخالص ملی کشور است.

ادغام صفحه اول

اعم از تعلقات مالکیتی؛ به‌ویژه پس از سانحه مساله حقوقی وراثت یک مساله فوری و بسیار مهمی است، با تعلقات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیان این مطالب شکل مقاومت به خود می‌گرفت.
به هر روی، انفعال افراد آسیب‌دیده در روزهای اول و میل به مداخله گسترده از سوی دولت و نیروهای داوطلب واقعیت خارجی روزهای ابتدایی پس از سانحه است.
ولی با گذشت زمان فضا کاملاً تغییر پیدا می‌کند. فضای احساسی فروکش می‌کند. نیروهای داوطلب کم‌کم منطقه را ترک می‌کنند و افراد آسیب‌دیده خودشان را پیدا می‌کنند و شروع می‌کنند به بازسازی روحی و فیزیکی خودشان.
به تدریج مخالفت با تمام مداخلات صورت گرفته اظهار می‌شود و منطقه سانحه‌دیده وارد بحران نارضایتی از اقدامات انجام‌یافته، واکتش به تعهدات انجام‌نیافته و حجم عظیمی از انتظارات ایجادشده و برآورده نشده می‌شود.
بنابراین، در برابر دو رویکردی که وجود داشت، ما معمولاً رویکردمان، رویکردی آسیب‌دیده‌محور بود و در برابر رویکرد ما، رویکرد مداخله‌محور خیلی شدید با قدرت سیاسی زیاد و با ظاهر اجتماعی خیلی موجه وجود داشت.
خیلی تلاش شد که این ایده جا بیفتد و تا حدود زیادی هم در سوانح بعدی همین استراتژی تعقیب شد تا زلزله به تصور این است که در زلزله هم کار از دستت در رفت و دوباره استراتژی مداخله‌گرایانه ظهور پیدا کرد.
از جزییات خبر ندارم، چون حضور اجرایی نداشتم. اما همین که موضوع را از دواودر پی می‌گرفتم، حسسم این است که از این استراتژی عدول شد.

■ آیا در جهاد سازندگی و جریان بازسازی مناطق جنگی در دوران جنگ نیز چنین نظری وجود داشت؟
بله. در جهاد قبل از پذیرش قطعنامه در نخست‌وزیری جلساتی برگزار می‌شد با این هدف که زندگی در مناطق جنگ‌زده حتی در دوره جنگ باید جریان داشته باشد و علاوه بر آن برای بازسازی این مناطق پس از پایان جنگ آمادگی داشته باشیم.
در آن زمان نیز با دو سوال اصلی روبرو بودیم: یکی مدیریت اجرایی بازسازی و دیگری روش تأمین مالی بازسازی.
آن زمان نیز همانند مطالب پیش‌گفته دو رویکرد وجود داشت: یکی آنکه دولت مسوولیت هر دو بحث را برعهده دارد؛ بنابراین، دولت هم باید ساختن‌های آسیب‌دیده را با منابع خودش به عنوان غرامت به جنگ‌زدگان بهتر از گذشته بسازد.
رویکرد دیگر نیز این بود که افراد جنگ‌زده باید خودشان زندگی خودشان را بسازند و دولت باید به آنها کمک ویژه بکند؛ ما رویکردمان روشن بود.
رویکردی که از قبل داشتیم، رویکرد جنگ‌زده‌محور بود اما در برابرش مقاومت خیلی زیادی وجود داشت.
راجع به تأمین مالی ما یک بحث حقوقی را نیز مطرح می‌کردیم. ما موافق استفاده از اصطلاح غرامت جنگ‌زدگان نبودیم.
اگر به ادبیات بازسازی مناطق جنگ‌زده مراجعه کنید بر خلاف نظر ما هیچ‌وقت و در هیچ‌جا عنوان کمک به جنگ‌زدگان را نداشتم.
عنوان ردیف بودجه‌ای غرامت بود.
من خیلی با عنوان غرامت مخالف بودم و در هر جلساتی اگر فضا فراهم می‌شد آن را مطرح می‌کردم.
از نظر من، غرامت را کسی می‌دهد که به کسی آسیب زده باشد.
دولت ایران که به جنگ‌زدگها آسیب نزده بود، آنکه باید غرامت می‌داد دولت عراق و صدام حسین بود نه دولت ایران، که گویا فراموش شده است.
بله، اگر غرامتی از دولت متخاصم دریافت شد، می‌توان درباره توزیع آن بین آسیب‌دیدگان فکر کرد.
ولی در آن زمان، ما صرفاً باید به عنوان کمک به جنگ‌زدگان فکر می‌کردیم.
آن زمان هم تب و تاب سیاسی و اجتماعی به نفع دادن غرامت، کمک پالانوس، مداخله گسترده و سیاست‌هایی از این قبیل بود.

■ این اتفاقات در جنگ با سانحه تفاوتی هم دارد؟ مثلاً در جنگ می‌گویند کار دشمن است، ولی در سانحه می‌گویند کار خداست؟

هر چند من شخصاً مهندس راه و ساختمان هستم ولی اساساً بحث بازسازی را عمدتاً یک بحث اجتماعی می‌دانم.
جنبه فنی آن ساده‌ترین قسمت ماجراست.
سوال این است که اگر کسی دچار سیل یا زلزله یا جنگ شد، دولت با چه مبنای قانونی، حقوقی و از همه مهم‌تر اخلاقی می‌تواند در زندگی فردی او دخالت کند؟
کمک کردن ظاهر اخلاقی دارد ولی وقتی تبدیل به مداخله شد، صد‌درصد غیراخلاقی می‌شود.
چگونه این عنوان در زندگی کسی که سانحه‌دیده، مداخله کرد، برای او قییم‌بایانه خانه ساخت و به او گفت برو در این خانه سکونت کن!

■ بدون آنکه از او سوال شود چه می‌خواهد؟

حتی اگر پرسیده شود!
اساساً، ما چه‌کارایم که جانشین در سانحه‌دیده شویم؟
این از آن چیزهاست که که جایی بحث تزئینک زیاد دارد، از جهت مختلف.
نظرم مداخله با نیت انسانی واقعی صورت می‌گیرد ولی ماهیت آن صد‌درصد غیراخلاقی است.
به باور من، مداخله در زندگی فردی آسیب‌دیده با یک فرض پیشین مبنی بر مهجور بودن وی صورت می‌گیرد حتی اگر چنین فرضی اعلام نشود یا در لحظه مداخله چنین نیتی در کار نباشد، ولی نتیجه کار یکی است.
مدعی من این است مداخله در بازسازی رادی‌های خصوصی با اصل اراده فاعلی شخص آسیب‌دیده در مغایرت است و چون نتیجه آن تعدی به حریم خصوصی افراد در حالت عسرت است، این اقدام یک کار غیراخلاقی است.
هر چند ظاهر خیرخواهانه داشته باشد.
من هنوز با کسی برخورد نکردام که چنین یحشی را در باب اخلاقی یا غیراخلاقی بودن اقدامات مداخله‌جویانه در جریان بازسازی مناطق سانحه‌دیده طرح کرده باشم.

لیکن خیلی تمایل دارم به نحوی موضوع در مجامع علمی طرح و درباره آن گفت‌وگو شود.

■ یک روندی درست شد.
یکی از مسوولان بنیاد بازسازی شد اما هویزه بدون مردم، مردم که آمدند از آنچه ساخته شده بود استقبال نکردند.
یعنی بودن آدم‌ها در منطقه سانحه‌دیده یا نبودن‌شان مهم است.
ولی این سوال است که عدم حضور مردم آیا این قدرت را به متولی بازسازی نمی‌دهد که از طرف‌شان تصمیم بگیرد؟

پاسخ سوال شما از نظر من منفی است.
ولی همین بیان دارای نکته اجتماعی ارزشمندی است.
وقتی ما جانشین آدم سانحه‌دیده شدیم و از طرف وی تصمیم گرفتیم، دیگر او حس تعلقی به آنچه ما بازسازی کرده‌ایم، ندارد.
آن‌وقت آثار این حس عدم تعلق همان است که آن آقای کارشناس به شما گفته‌اند.
می‌گویم یکی از دلایلی که آبادان هنوز بعد از ۲۲ سال آبادان نیست و خرمشهر هنوز خرمشهر نیست، این است که ما از طرف خودمان تصمیم‌گیری کرده‌ایم.
منظورم از ما، دولت است.
اگر افراد خودشان خانه‌شان را می‌ساختند دیگر مساله کمی حضور ساکنان قبلی، ضعف بازسازی اقتصادی منطقه و نارسایی کارشناس به شما گفته‌اند.
می‌گویم یکی از دلایلی واقع شما در بازسازی می‌بینید که قاعده‌تا هدف از بازسازی خرمشهر بازسازی خانه‌ها یا ساخت فیزیکی نبود، بلکه بازسازی زندگی اجتماعی و سازمان اجتماعی در خرمشهر بود.
فیزیک درست کنید، خیابان، تأسیسات زیربنایی، خانه، مدرسه، بیمارستان؛ در غیاب انبوه شهروندان چه سود؟
از این روست که می‌گوییم در واقعیت باید شهروند و آسیب‌دیده محور باشند.
این داستان آن جاهایی است که با نیت‌های خیرخواهانه روش‌های پدی انتخاب می‌شود.
تا آنجا که من اطلاع دارم یکی از مسایل عمده مناطق جنگ‌زده بعد از ۲۲ سال، هنوز هم سازمان اجتماعی جنگ‌زده است.

■ بله، خیلی‌ها برنگشتند.

و سازمان اجتماعی این مناطق چه تفاوت‌هایی کرده است.
مثلاً من سازمان اجتماعی کرمانشاه را از پیش از جنگ و پس از آن دیده‌ام.
اساساً سازمان اجتماعی کرمانشاه دچار تحولات بنیادین شده است.
مهاجرت‌های بزرگی صورت گرفته است.
عده زیادی از ساکنان پیشین این شهر را ترک کرده‌اند و عده دیگری، حتی از عراقیان به آنجا مهاجرت کرده‌اند.
باقت اجتماعی و اختار اقتصادی شهر دچار تحول کلی شده و ولی سوال این است که آیا وضع بهبود پیدا کرده‌است؟
من می‌دانم که دولت در این شهر همانند سایر مناطق جنگ‌زده هزینه زیادی انجام داده است ولی آیا می‌توان مدعی بهبود کارکرد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این شهر بود؟
یک گشت‌وگذار عادی در شهر به شما نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در شهر بسیار نازل است.
تخریب محیط‌زیست گسترده است.
بخشی از بافت اجتماعی ساکن، حالت کولی‌نشینی دارد و حبس تعلقی به شهر ندارد؛ یعنی همان رویکرد مسافر و مهاجر به مکان.
این منظره کم‌وبیش در آبادان و خرمشهر نیز دیده می‌شود.
حتی در جاهایی که از جنگ فاصله داشته‌اند مانند شوشتر که خط‌مقدم محسوب می‌شود.
حتی در دزفول هم این تغییر بافت را می‌بینید.

■ به عنوان کسی که دست‌اندر کار بوده‌اید و به برخی برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داشته‌اید، بفرمایید کدام بخش از بازسازی کار دولت است و کدام بخش کار مردم است؟
این که روشن است، هرچه که عمومی است وظیفه دولت است و هرچه به زندگی و مالکیت خصوصی برمی‌گردد وظیفه مردم است.
مهم این است که شما اینها را چگونه هم‌راستا قرار دهید که در واقع نرخ بهره‌وری اجتماعی بازسازی افزایش پیدا کند.
شما مثلاً می‌گویید بایبید خانه‌هایتان را بسازید، لیکن بلافاصله باید بازسازی خدمات زیربنایی آغاز شود تا این دو هماهنگ با هم پیش روند وگرنه هم‌افزایی صورت نمی‌گیرد.
در واقع بازسازی نتیجه گفت‌وگوی بین شهروندان و مسوولان بازسازی است.
نکته مهم در این گفت‌وگو روش ایجاد اعتماد اجتماعی است.
از جهت رفتار اجتماعی، آسیب‌دیدگان

جامعه

ضرورت مشارکت آسیب‌دیدگان در تصمیم‌گیری‌ها



عکس: گل‌آرا سفیدآبادیان

خیلی دیر به افراد به‌ویژه مسوولان اعتماد می‌کنند، هر چند هیچ‌گاه چنین امری را بروز نمی‌دهند.
تا وقتی مسوولان هدایا و کمک‌هایی را رایگان به آنها می‌دهند، دلایلی ندارد که از پذیرش آنها امتناع کنند.
لیکن اعتماد به مسوولان وقتی بروز خارجی پیدا می‌کند که یک تقسیم کار روشن و صریحی بین مسوولان و آسیب‌دیدگان صورت گیرد و آسیب‌دیدگان در عمل قبول کنند که به آن تقسیم کار وفادار باشند و از خودشان به اصطلاح مایه بگذارند.
معمولاً در این موقعیت‌ها آسیب‌دیدگان اولویت‌های خود را در نظر می‌گیرند و به این دستورها توجهی ندارند.
مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان برای انجام یک گفت‌وگوی موثر، نهادهای درست کردیم به عنوان کمیته‌های بازسازی روستا که متشکل از ریش‌سفیدهای روستا بودند در عوض شورا‌های روستایی که البته در آن زمان چندان هم عمومیت نداشتند لیکن در هر صورت ما تعمد داشتیم که از ریش‌سفیدان استفاده کنیم چراکه شوراها معمولاً واسطه یک‌سویه توزیع منابع دولتی بین روستاییان هستند بنابراین جایی که نیاز باشد از امکانات روستاییان به نفع یک هدف خاصی استفاده شود، این ریش‌سفیدان هستند که می‌توانند مردم روستا را بسیج کنند.
به هر روی، تلاش ما این بود که در مورد اولویت‌های بازسازی در هر روستا با اهالی آن به توافق برسیم.
در واقع این کمیته‌ها واسطه‌هایی بودند برای گفت‌وگو و مبادله اطلاعات و اتخاذ تصمیم.
به این وسیله امکان مشارکت روستاییان فراهم می‌آمد، آنگاه توزیع مصالح ساختمانی، اولویت کار کرد ماشین‌آلات، تأمین نیروهای فنی و مسایل مهندسی و فنی از این طریق با روستاییان هماهنگ می‌شد.
این کمیته‌ها به دلیل موقعیت اجتماعی در میان مردم روستا داشتند، می‌توانستند از جانب آنان ایجاد تعهد کنند و آن را عملی سازند.
در واقع ما یک سازمان اجتماعی درست کرده بودیم و آن هم مایه موفقیت و سرعت بازسازی در مناطق گیلان و زنجان بود.
ما حدود ۲۲۰ هزار پروژه داشتیم، حجم کار بسیار زیاد و پراکنده بود.
با این وجود پروژه‌ها این بازسازی عمدتاً بازرگان را بر عهده داشته باشند و منابع مالی در قالب تسهیلات از بانک دریافت کنند.
کمک‌های مالی دولت، در ابتدای کار جهت ایجاد سربانه اضطراری بود و قدری هم به عنوان پرداخت مابه‌التفاوت سود ترجیحی بود که دولت برای تسهیلات بازسازی منظور کرده بود.
پرداخت نقدی ایجاد سربانه اضطراری به آسیب‌دیدگان باعث شد که این آنان مبلغ را در ملک خودشان هزینه کنند، لذا ضمن تسرع در جریان بازسازی واحدها، از دوباره هزینه‌کردن امتناع می‌شد.
در کنار این، با همکاری سازمان نظام مهندسی و تأمین نیروی کار فنی از سایر استان‌ها

■ **قدری درباره نظام تأمین مالی و تدارک کالا و مدیریت ساخت در بازسازی گیلان و زنجان توضیح دهید**
آنجا فرض بر این بود که این افراد آسیب‌دیده خودشان مسوولیت بازسازی خانه‌هایشان را بر عهده داشته باشند و منابع مالی در قالب تسهیلات از بانک دریافت کنند.
کمک‌های مالی دولت، در ابتدای کار جهت ایجاد سربانه اضطراری بود و قدری هم به عنوان پرداخت مابه‌التفاوت سود ترجیحی بود که دولت برای تسهیلات بازسازی منظور کرده بود.
پرداخت نقدی ایجاد سربانه اضطراری به آسیب‌دیدگان باعث شد که این آنان مبلغ را در ملک خودشان هزینه کنند، لذا ضمن تسرع در جریان بازسازی واحدها، از دوباره هزینه‌کردن امتناع می‌شد.
در کنار این، با همکاری سازمان نظام مهندسی و تأمین نیروی کار فنی از سایر استان‌ها امکان دسترسی افراد به خدمات مهندسی و فنی تسهیل شد، همچنین با نوسازی سازمان بازار تدارک و توزیع کالا و همچنین تأمین ماشین‌آلات و ایجاد کمپنهای روستایی امکان دسترسی آسیب‌دیدگان به ماشین‌آلات، مصالح ساختمانی استاندارد و نیروی فنی تسهیل و فراهم می‌آمد.
لیکن به هر روی، این فرد آسیب‌دیده بود که با مهندس یا بنا قرارداد کار می‌بست و نه ما!
فرض ما بر این بود که اگر مثلاً سازمان محلی امکان تدارک آن حجم از مصالح را به شکل فوق‌العاده ندارد، ما به آن سازمان کمک کنیم و نه آنکه خودمان سازمان موازی ایجاد کنیم.
افراد آسیب‌دیده خودشان انتخاب و خرید می‌کردند و نه اینکه ما برایشان خرید کنیم.
حتی ما کاتال‌های عرضه را عوض نمی‌کردیم.
این موضوع درباره ماشین‌آلات و نیروی انسانی صادق بود.
اگر نیروی انسانی منطقه امکان پاسخ به این نقایض یکبارہ را نداشت، ما می‌توانستیم کمک کنیم و از سایر مناطق نیرو بیاوریم، اما مردم خودشان با بنه‌ا قرارداد می‌بستند.
ایده ما این بود که ما نقش تسهیل‌کننده داشته باشیم تا سازمان اجتماعی بتواند خودش را بازسازی کند و توانمند شود.
ما اصلاً بر این باور نبودیم که سازمان اجتماعی را حذف کنیم تا فردا هرکسی آجر و تیرآهن می‌خواهد باید از ما بگیرد.
ما فقط به عنوان یک نیروی واسطی بودیم که هدفشان توانمندسازی سازمان اجتماعی بود.
ما بیش از این برای خودمان نقشی قابل نبودیم.

■ **و نکته آخر!**
اگر بازسازی منجر به توسعه کالبد همراه با ارتقای فهم عمومی از حقوق شهروندی و مشارکت آنان در آبادانی محل خود نشود ناموفق است.
کالبد هدف نیست، انسان‌ها هدف هستند.
زباله امری عادی به شمار می‌رود و استدلال مسوولان شهرداری نیز این است که بسیاری از نیروهای کار داخلی حاضر به انجام گونه فعالیت‌ها نیستند پیش از این نیز این بحث مطرح بود که باید این کارگران افغانی برای نظافت شهر و جمع‌آوری پاکیزگی شهرهایی مانند تهران با اختلال مواجه شود.
ایرج عبدی افزود: در بسیاری از شهرهای کشور، به‌ویژه کالاشهر تهران استفاده از کارگران افغانی برای نظافت شهر و جمع‌آوری

پاکیزگی شهرهایی مانند تهران با اختلال مواجه شود. ایرج عبدی افزود: در بسیاری از شهرهای کشور، به‌ویژه کالاشهر تهران استفاده از کارگران افغانی برای نظافت شهر و جمع‌آوری

توقعات کارگران داخلی، نظافت تهران را مختل کرد

زباله امری عادی به شمار می‌رود و استدلال مسوولان شهرداری نیز این است که بسیاری از نیروهای کار داخلی حاضر به انجام گونه فعالیت‌ها نیستند پیش از این نیز این بحث مطرح بود که باید این کارگران افغانی برای نظافت شهر و جمع‌آوری

پنجره

۴ دانشگاه کشور سهمیه‌بندی جنسیتی را اجرا نکردند

■ مهر: به گفته مدیر کل دفتر گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ظرفیت پذیرش دانشجو در چهار دانشگاه کشور به حالت قبل برگردانده شد و پذیرش در این دانشگاه‌ها مانند گذشته از میان دختران و پسران صورت می‌گیرد.
ابوالفضل حسینی افزود: ظرفیت دانشگاه‌های ارک، مقدس اردبیلی، شهید چمران اهواز و بوشهر طبق سنوات گذشته برای پذیرش دانشجو برگردانده شد و در این دانشگاه‌ها با توجه به ظرفیت‌های اعلام شده سال‌های گذشته نسبتی از داوطلبان دختر و پسر پذیرفته خواهند شد.
وی درخصوص حذف دختران در رشته‌هایی مانند فرش یا حسابداری تصریح کرد: حذف رشته‌هایی از این دست نه تنها مورد توجه وزارت علوم نبوده بلکه از برنامه‌های این وزارتخانه به شمار نمی‌آید.
حسینی با اشاره به وجود ۲۷ هزار رشته محل در تمام دانشگاه‌های کشور تأکید کرد: حذف ۷۷ رشته محل بسیار ناچیز است و اگر این تعداد حذف شد.
در مقابل باید ۲۷ هزار رشته محل را در نظر گرفت.

فعالیت مدارس خودگردان اتباع خارجی غیر قانونی است

■ فارس: مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استان تهران گفت: مدارس و آموزشگاه‌های خودگردان که توسط اتباع خارجی برپا می‌شود کاملاً غیرقانونی است و شرایط اولیه آموزش را از لحاظ بهداشتی و محتوای آموزشی ندارند.
عیسی موسوی‌نسب درباره مدارس خودگردانی که توسط اتباع خارجی «فغانی» برپا می‌شود، اظهار داشت: این مدارس و آموزشگاه‌ها که توسط اتباع خارجی برپا می‌شود کاملاً غیرقانونی است و شرایط اولیه آموزش را از لحاظ بهداشتی و محتوای آموزشی ندارند.
وی با تأکید بر اینکه مدارس خودگردان اتباع خارجی و مردم در صورت مشاهده چنین مسندس و آموزشگاه‌هایی موضوع را به نیروی انتظامی اطلاع دهند.
موسوی‌نسب خاطرنشان کرد: شرایط تحصیل پناهندگان خارجی در کشور فراهم شده است و نیازی به مدارس خودگردان غیرقانونی توسط اتباع خارجی وجود ندارد.
مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استان تهران تأیید داشت تاکنون مورد خاصی از مدارس خودگردان غیرقانونی در استان تهران نداشته‌ایم.

بازدید از ۱۰ روستای زلزله‌زده در قائنات

■ ایسنا: سخنگوی سازمان امداد و نجات هلال احمر آخرین اقدامات این‌جمعیت در زلزله‌های «هران»، «بندر ریگ» و «حاجی‌آباد» را تشریح کرد.
حسین درخشان در تشریح جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع زلزله ۲/۲ ریشتری که در ساعت ۵:۳۰ دیروز مناطق «هران» و «حاجی‌آباد» در اطراف شهرستان قائنات را زلزاد سه نیم از پایگاه‌های بین‌شهری به مناطق زلزله‌زده اعزام شدند.
پس از یک ساعت از وقوع زلزله تیم‌ها از تمامی مناطق زمان و حاجی‌آباد و ۱۰ روستای دیگر بازدید کردند که خوشبختانه در گزارش‌های آنان هیچ‌گونه حادثه‌ای اعلام نشده است.
همچنین زلزله ۴/۲ ریشتری حوالی ساعت پنج دیروز منطقه نصرت‌آباد در سیستان و بلوچستان را لرزاند که حادثه‌ای در نداشت.

بازداشت سارق صندوق صدقات شمال تهران

■ ایسنا: کالانتری ۱۲۲ دربند از شناسایی و دستگیری یک سارق صندوق صدقات در شمال پایتخت خبر داد.
سرهنگ قنبری در این‌باره گفت: از مدتی پیش شهروندان ساکن محدوده خیابان دربند هنگامی که بامداد به محل کار خود مراجعه می‌کردند، شاهد بودند که فردی در حال سرقت وجوه صندوق صدقات در محل‌های مختلف این محدوده است که با ورود مأموران کالانتری فرد سارق دستگیر می‌شود.

۳۰ درصد افراد مرگ مغزی اهدای عضو می‌کنند

■ رییس اداره پیوند وزارت بهداشت، تعداد اهداکنندگان اعضا را در سال گذشته ۴۳۰ مورد در کشور دانست و گفت: پیش‌بینی می‌شود هر ساله بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ نفر که کشور به مرگ مغزی دچار شوند، اما از این تعداد حدود ۴۰ درصد افراد مرگ مغزی اقدام به اهدای عضو می‌کنند.
محمد عقیقی بر لزوم شناسایی بهتر افراد مرگ مغزی در کشور تأکید کرد و اظهار داشت: بهره‌گیری از اعضای افراد مرگ مغزی یکی از برنامه‌های اصلی وزارت بهداشت است و اقدامات مناسبی در این زمینه صورت گرفته است.

برگزاری اجلاس بین‌المللی راه‌ابریشم

■ فارس: محمد پروین، مدیر کل بین‌الملل سازمان گردشگری از برگزاری اجلاس بین‌المللی راه‌ابریشم با حضور دبیر کل سازمان جهانی گردشگری در باکو خبر داد و گفت: رییس سازمان میراث فرهنگی علاوه بر حضور در این اجلاس، حامل پیام دبیس‌جمهور ایران برای رییس‌جمهور آذربایجان خواهد بود.